

بیانات در جلسه‌ی رسیدگی به مشکلات زلزله‌زدگان استان کرمانشاه - 29 / آبان / 1396

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا محمّد و آله الطّاهرین و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین.

خدا را شکرگزاریم که توفیق داد به مسئولین محترم که در این حادثه‌ی تلخ و دردناک، به یاری هم‌میهنانشان، به یاری مردم عزیز این استان بشتابند. زلزله از آیات الهی است؛ این زلزله و زلزله‌های دنیایی که ماها در مقابل آن احساس عجز میکنیم، احساس ناتوانی میکنیم، در مقابل زلزله‌ی روز قیامت - زلزلة السّاعة - (۱) هیچ است. یَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ؛ (۲) زلزله‌ی روز قیامت، زلزله‌ی عالم بعث، یک حادثه‌ی فوق‌العاده و عجیب و عظیمی است که قرآن از آن یاد میکند. این زلزله باید ما را به یاد آن زلزله بیندازد. این زلزله قابل مقایسه‌ی با آن زلزله نیست از لحاظ اهمیّت و عظمت و سنگینی بار مصیبت، درعین حال ما در مقابل این زلزله احساس عجز میکنیم، چه برسد به آن زلزله! اگر بخواهیم از هول روز قیامت و حالت دهشتی که همه‌ی انسانها در قیامت به خاطر حوادث عجیب آن روز دارند نجات پیدا بکنیم، یک راهش این است که اینجا به بندگان خدا رحم کنیم؛ هرکسی که به بندگان خدا رحم کند، خدا به او رحم خواهد کرد. معنای رحم کردن، به چشم حقارت نگریستن نیست که حالا مثلاً بگوییم شأن این مردم بالاتر است از این معانی؛ نه، شأن مردم خیلی بالا است، عزّت مردم کرمانشاه برای همه‌ی کسانی که این استان را و این مردم را می‌شناسند آشکار است، [منتها] ما بایستی به وظایفمان عمل کنیم.

من امروز از شهر سرپل‌ذهاب و تعدادی از روستاهای آن بازدید کردم. شهر خسارت سنگینی دیده ولیکن خسارت روستاها در مواردی قابل مقایسه‌ی با خسارت شهر هم نیست؛ یعنی خسارت بسیار سنگین است؛ ما روستا یا روستاهایی را دیدیم که به نظر میرسد با خاک یکسان شده‌اند. شاید در همه‌ی این روستا یکی دو عمارت سرپا است که [البته] از داخلش هم آدم خبر ندارد؛ بقیه با خاک یکسان شده. خب، خیلی حادثه‌ی مهمی است. ما چون خودمان مبتلا نیستیم، ابتلاء را نمیفهمیم؛ این را همه‌ی کسانی که این عرایض بنده را خواهند شنفت، توجّه کنند. شما می‌شنوید که زلزله‌زده احتیاج دارد به فلان وسیله‌ی زندگی یا فلان وسیله‌ی خوراکی و امثال اینها؛ خب مردم همت میکنند، مسئولین هم همین‌جور، و برایشان تهیّه میکنند؛ اما قضیه‌ی زلزله‌زده این نیست. آن کسی که در خانه‌ی خود، با خانواده‌ی خود، در میان آنها، با آرامش و خیال راحت زندگی می‌کرده - بالاخره در یک فضائی - حالا همه‌ی آنچه داشته و نداشته جمع شده در یک چادر! ما رفتیم داخل چادرها، بعضی از چادرها را هم دیدیم؛ فرض کنید یک چادر دو در سه، دوونیم در سه و نیم یا سه در چهار، سرما، گرما، کمبود و نبود جا؛ این [که] زندگی نشد. اینها چیزهایی است که ما باید با دقت، اهمیّت آنها را بفهمیم و به نسبت همان اهمیّت، به وظایف خودمان پی ببریم. سیل هم تقریباً همین‌جور است. بنده در سالهای گذشته - در دوره‌ی جوانی - هم در گروه‌های امداد زلزله حضور طولانی و مفصل داشتم، هم در امدادهای مربوط به سیل؛ سیل یک جور است، زلزله یک جور است، [اما] در یک جهاتی مثل هم هستند.

در حادثه‌ی زلزله ما دو چیز نیاز داریم: یکی نجات، دوّمی امداد. نجات مال همان چند ساعت اوّل است. بحمدالله در این منطقه حضور ارتش و سپاه و نیروی انتظامی و دستگاه‌های اینها و حضور سازمان‌یافته‌ی اینها موجب شد که بتوانند مسئله‌ی نجات را به شکل تقریباً قابل قبولی انجام بدهند. این زلزله‌ای که من اینجا دیدم، این ویرانی‌ای که به وجود آمده - ما البته قصرشیرین نرفتیم، اسلام‌آباد نرفتیم، بعضی از روستاهای اینها که خیلی ویران شده نرفتیم،

خسروی نرفتیم، ثلاث باباجانی نرفتیم؛ مناطق فراوانی ویران شده- همین مقداری که من دیدم، اگرچنانچه در این زلزله، نجات در اول کار و سرعت انجام نمیگرفت، تلفاتش چند برابر این میشد. خب، یک بخش نجات است که بخش بسیار مهمی هم هست و در همان ساعات اول باید انجام بگیرد. اینکه من بعد از زلزله ی بم چند جلسه با دولت آن روز تشکیل دادم و خودم نشستم در جلسه -جلسات چندساعته- برای اینکه ما این ستاد بحران را به وجود بیاوریم، برای این است. کار ستاد بحران همان لحظه ی اول است. در درجه ی اول باید سازمان دهی وجود داشته باشد، چون زلزله نمیگوید من قرار است بیایم، سیل هم همین جور؛ بلای طبیعی از پیش خبر نمیکند؛ دفعتاً می آید. ما باید اینجا حاضر باشیم، ستاد بحران باید حاضر باشد؛ یعنی باید مثل مرزبان ما باشد. مرزبانی که ما در کنار مرز میگذاریم و می نشانیم برای مقابله ی با نفوذ دشمن، باید همیشه حاضر باشد؛ چون دشمن که نمیگوید من دارم می آیم؛ ناگهان ممکن است حمله کند؛ [مرزبان] باید همیشه حاضر باشد. مقابله ی با بلای طبیعی، آمادگی بیشتری لازم دارد؛ در همه جای کشور، یک آمادگی صددرصد لازم است برای ستاد بحران. و این ممکن است؛ این چیزی نیست که ناممکن باشد؛ نه، میشود نوبت قرار داد برای نگهبانی های دائمی و همیشه افراد، آماده باشند و سازمان دهی، مشخص باشد. این مسئله ی نجات است که مال اول کار است و اینجا بحمدالله اول کار تا حدود زیادی کار، خوب انجام گرفت و تا حدی که ممکن بود، بحمدالله رسیدند به کسانی که دچار آفت شده بودند و زیر آوار مانده بودند.

مسئله ی دوّم، مسئله ی امداد است. مسئله ی امداد، اگرچه که آن هم سرعت لازم دارد، اما یک کار فوری و تمام شدنی نیست. امداد بخشهای مختلفی دارد که هر بخشی در یک برهه ای از زمان اهمیّت خودش را دارد و بایستی در آن برهه ی از زمان، آن بخش انجام بگیرد. اول، معلوم است که نیازهای فوری غذائی و خوراکی است؛ چون یک جایی که حادثه ی طبیعی پیش می آید، آنجا اولین چیزی که مردم احتیاج دارند، آب و نان است که بایستی به آنها برسد؛ این مال آن اول کار است. بعد، مسئله ی امکانات زندگی و لباس و وسایل زندگی و مانند اینها است. لکن از همه ی اینها مهم تر، مسئله ی مسکن است. الان شما ببینید این نخاله های [ساختمانی] موجود در این روستاهای ویران شده را چه جوری میشود حمل و نقل کرد؟ این خیلی کار عظیمی است، خیلی کار دشواری است، و باید حتماً انجام بگیرد. بعد، مسئله ی تأمین خانه و بازسازی روستاها و شهرها است؛ این خیلی مسئله ی مهمی است، در این کار باید سرعت هم به خرج داده بشود. من دیدم این چادرها را؛ در یکی از این چادرها از یک خانمی پرسیدم پلاستیک داده اند برای چادر، گفت بله، پلاستیک داده اند؛ بعد خودم از این سؤال شرمنده شدم؛ خیلی خب حالا پلاستیک داده اند، [اما] مگر پلاستیک معجزه میکند؟ در سرمای هوا، در این فصل، در شب، چه جوری بایستی تأمین بشود گرمای لازم برای بچه، برای پیرمرد، برای مریض؟ چه جور باید تأمین بشود؟ با تمهید لازم، اولاً برای ساخت مسکن و تا وقتی که مسئله ی مسکن به طور کامل تأمین نشده، [برای] تأمین وسایل گرمایش. باید خیلی در این زمینه کار بشود، خیلی باید تلاش بشود؛ مسئولیّت سنگینی بر عهده ی مسئولین است.

باید یک مرکزیتی وجود داشته باشد، کما اینکه در تقسیم امکانات بین زلزله زدگان هم یک مرکزیت لازم است. یکی از کارهای واجب در این مناطق [وجود] یک مرکزیت است؛ باید همه ی کارها تمرکز پیدا کند؛ از یک جا کارها بایستی مدیریت بشود. همه کار کنند، همه تلاش کنند، همه سهم بگیرند، اما یک مدیریت یکپارچه لازم است. این مال تقسیم امکانات بود که حالا یواش یواش این معنا تأمین شده و حل شده است. بعد از این، مسئله مسئله ی تأمین مسکن است، مسئله ی بازسازی است؛ این یک مدیریت واحدی لازم دارد، یک کار اساسی ای لازم دارد، سرعت عمل لازم دارد و دولت بایستی همه ی پشتیبانی های لازم را در این زمینه بکند و دستگاه های مختلف هم -چه دستگاه های نظامی، چه دستگاه های غیرنظامی- هر کدام به قدر توان خودشان مسئولیّت را بپذیرند و این مسئولیّت را انجام بدهند؛ این کار خیلی مهمی است. البته من میدانم تا حالا در بخشهای مختلف، بخشی از مسئولین زحمات زیادی کشیده اند، کارهای زیادی کرده اند. ما صمیمانه، واقعاً تشکر هم میکنیم از شماها به خاطر کارهایی که انجام گرفته،

بخصوص از آنهایی که حقیقتاً دامن همت به کمر زدند و با جدیت وارد میدان شدند و کار کردند؛ واقعاً پیش خدای متعال هم اجرشان محفوظ است، ما هم از آنها تشکر میکنیم. لکن در آینده، یعنی در ادامه‌ی این کمکها، این کار [متمرکز]، به نظر ما لازم‌تر و مهم‌تر و اساسی‌تر است.

و بخصوص، سرعت عمل بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ باید سریع عمل کنید؛ کار را جهادی بایستی دنبال نکنید. یکی از خصوصیات جمهوری اسلامی باید همین کار جهادی باشد. خوشبختانه در بخشهایی همین جور هم هست؛ در بخشهایی انسان میبیند همین جور کار جهادی انجام میگردد. ما قبل از انقلاب دیدیم برخورد دستگاه‌های مسئول آن وقت را که هیچ احساس مسئولیتی واقعاً نمیکردند به این قضایا. آن وقت بنده از نزدیک شاهد بوده‌ام و دیده‌ام که در واقع، برایشان مسئله‌ی زلزله‌زده مسئله‌ی مهمی نبود؛ یعنی واقعاً به حساب نمی‌آوردند؛ [فقط میخواستند] همین بصورت و به اسم یک کاری انجام بدهند؛ کار را گروه‌های مردمی میکردند. امروز این جور نیست؛ بحمدالله مسئولین در میدانند، کار میکنند، تلاش میکنند؛ [این] از خصوصیات جمهوری اسلامی است؛ لکن بایستی بعد از این، آقایان و مسئولین محترم، کار را با مدیریت بهتر و با استمرار و پیگیری و با سرعت ان شاءالله انجام بدهند. و این تمرکزی که ما عرض کردیم، حتماً بایستی به وجود بیاید تا کار ان شاءالله به نتیجه برسد. امیدواریم خداوند متعال تفضل کند، کارها را آسان کند، راه‌ها را هموار کند که بتوانید به وظایفتان عمل کنید و این مردم را از این گرفتاری بزرگی که پیش آمده، ان شاءالله خارج کنید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۱؛ «... زلزله‌ی رستاخیز...» (۲) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده‌ای آن را که شیر میدهد [از ترس] فرومیگذارد...»